

### معرفی کتاب

### «فن استدلال؛ منطق حقوق اسلام»

تألیف: دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی (تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲)

#### مهدی رشوند بوکانی\*

دانشمندان علوم مختلف که حسب رشته مورد علاقه‌شان، به طور حرفه‌ای و مستمر از دیرباز به شناخت جنبه یا جنبه‌هایی از جهان هستی پرداخته‌اند، از گذشته‌های دور دریافته‌اند که شناخت معتبر تحت شرایط ویژه و با استفاده از روشها و قواعد خاصی حاصل می‌شود. در پرتو این دریافت، علومی چون منطق، روش‌شناسی و... پا به عرصه وجود گذاشتند (ببی، ۱۳۸۱، ص ۴۴).

در دوران معاصر که علم و دانش بشری پیشرفتهای خیره‌کننده‌ای داشته است، علمای روش تحقیق در علوم اجتماعی اعتقاد دارند که دستیابی به هدفهای علم یا شناخت علمی میسر نخواهد شد مگر با روش‌شناسی درست (ساروخانی، ۱۳۸۲، ص ۲۲).

در مورد روش‌شناسی به طور کلی دو دیدگاه وجود دارد:

یک. دیدگاهی که آن را مطالعه منتظم و منطقی اصولی می‌داند که پژوهش علمی را رهبری می‌کند که از این دیدگاه، روش‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از منطق و یا حتی فلسفه است؛

---

\* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق (ع)

دو. دیدگاهی که آن را ملاحظه زمینه‌های کلی برای اعتبار کار علمی معرفی می‌کند که به این معنا روش‌شناسی نه دقیقاً یک رشته فلسفی و نه دقیقاً یک رشته علمی است. در یک نظام حقوقی عقلانی و هدفمند نیز، حقوقدانان نمی‌توانند هدفهای علم حقوق را فراهم کنند و به یک شناخت علمی دست یابند مگر در سایه یک روش تحقیق کارآمد و موجه.

دکتر لنگرودی در کتاب «فن استدلال (منطق حقوق اسلام)»، بر اساس دیدگاه نخست در مورد روش‌شناسی، سعی دارد اصول و قواعد و ضوابطی را که پژوهشهای علمی فقهای اسلام را راهبری کرده است، شناسایی کند و بر اساس یک نظم منطقی آنها را گردهم آورد و در نهایت، در بیشتر موارد ولو به طور مختصر به ارزیابی کارآمدی اصول و روشها بپردازد.

اما کتاب مذکور همان گونه که مؤلف اذعان دارد، به بخشی از روش‌شناسی حقوق اسلام پرداخته است؛ به این توضیح که حقوقدانان در مواجهه با مسائل و مشکلات حقوقی ممکن است با دو حالت متفاوت روبه‌رو شوند: حالت نخست آن است که حقوقدان می‌تواند با استفاده از نصوص قانونی (شرعی) جواب مسئله حقوقی خود را پیدا کند.

حالت دوم، آن است که حقوقدان به علت فقدان نص قانونی (شرعی) نمی‌تواند جواب مسئله حقوقی خود را در قوانین بیابد.

حقوقدانان در حالت نخست روشی را در پیش می‌گیرند که می‌توان آن را روش تفسیر یا منطق تفسیر نام نهاد که در حقوق اسلام بنا به گفته دکتر لنگرودی، بیشتر مباحث علم اصول فقه عهده‌دار بیان روش فقهای اسلام در این مقوله است و به همین جهت، ایشان علم اصول فقه را منطق تفریع می‌دانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ۵-۶).

البته قابل ذکر است که کتب اصولی، به ویژه تألیفات علمای عامه، علاوه بر ارائه منطق تفریع، روش‌شناسی فقهای اسلامی را در حالت فقدان نص، ذیل مباحثی چون استصلاح، دلیل عقل، عرف و... بیان کرده‌اند (الزحیلی، ۲۰۰۱م).

اما لازم به ذکر است که آنچه در این کتب در خصوص روش‌شناسی حقوقی در حالت فقدان نص بیان شده است، تنها بخشی از روش‌شناسی است و بخش عمده مباحث آن در بطون مباحث فقهی در کتب فقهاء پراکنده و نامنقح باقی مانده است.

به عبارت دیگر، در مباحث راجع به روش‌شناسی در حالت فقدان نص که دکتر لنگرودی آن را فن استدلال می‌نامد، پیشینیان ما کار بسیار کرده‌اند و مصالح و مواد اولیه گرانمایی بر جای نهاده‌اند لکن این کارها در بطون مباحث و مسائل پراکنده است و مدون نشده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۷). مؤلف محترم کتاب (فن استدلال)، بر آن شده است که یادگارهای گذشتگان و میراث بزرگان فقه اسلامی را با نظمی منطقی و طرحی نو، در مدونه‌ای گردآوری و عرضه کند.

کار ایشان، همان گونه که از خلال مباحث کتاب مذکور و سایر آثار ایشان برمی‌آید، دست‌کم چند فایده دارد:

نخست آنکه کار تعلیم و تعلم حقوق اسلامی را به طور روشمند و منطقی آسان می‌کند؛ زیرا مطالبی را که احاطه بر آنها محتاج صرف هزینه مادی و معنوی هنگفت است، به طور یکجا و منقح پیش روی طالبان علم قرار می‌دهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۹)؛

دوم آنکه این کار باعث می‌شود که نقاط قوت و ضعف روشهای استدلال گذشتگان بهتر و آسان‌تر معلوم و در نتیجه، زمینه رشد و بالندگی فن استدلال بر پایه حقوق اسلامی در جامعه علمی فراهم شود.

پس از ترسیم فضای کلی حاکم بر مباحث کتاب اکنون نسبت به توضیح مختصری در باره مباحث کتاب می‌رسد که ذیلاً به آن می‌پردازیم:

فن استدلال به طور عمده در دو موضع به کار می‌آید:

یک. شناسایی موضوعات احکام؛ زیرا داب شارع به ویژه در احکام امضایی آن است که تعریفی از موضوعات ارائه نمی‌کند؛

دو. در موارد فقدان حکم شرعی.

مؤلف کتاب برای ارائه گزارش کارهایی که پیشینیان راجع به شناسایی موضوعات انجام داده‌اند، مطالبی را در سه فصل ذیل عنوان تصورات مطرح کرده‌اند که این فصول به قرار زیر است:

فصل اول: حکم و موضوع؛ فصل دوم: ماهیت‌شناسی؛ فصل سوم: سامان ماهیات. مؤلف پس از ارائه تصویر جامعی از حکم و موضوع، به روشهای مورد استفاده فقیهان اسلامی برای شناخت موضوع اشاره می‌کند و نقاط ضعف و قوت آنها را بیان می‌کند؛ به طور خلاصه، ایشان طی مباحث منطقی ماهیت‌شناسی و سامان ماهیات، به روشهایی از جمله تعریف موضوع با روش احاله به فهم عرف و تمسک به نظریه شرح اسم اشاره می‌کند و سپس، در باب شناخت وجود ماهیات موضوعات، مباحث اسباب، شروط، موانع و ارکان را مطرح می‌کند و معتقد است که روشهای مزبور گرچه تعلیم و تعلم را سهل می‌کند لکن فقدان «ضابطه روشن» و «عینی» در مباحث بالا باعث ایجاد اختلاف نظرهای عمیقی شده است که داوری در مورد آنها و شناخت قول صحیح از سقیم را مشکل می‌سازد.

مؤلف پس از بیان نقاط ضعف روشهای مذکور، به طور مشخص راه حلی را برای رفع آنها در کتاب فن استدلال ذکر نمی‌کند، اما با عنایت به سایر آثار ایشان به ویژه آثار اخیرشان که بیشتر صبغه فلسفی دارند، می‌توان گفت که ایشان راه حل را در ایجاد فلسفه فقهی بالنده و نظریه‌پردازیهای حقوقی می‌داند؛ امری که متأسفانه در دانشکده‌های حقوق و الهیات مغفول واقع شده است و بعضاً برخی به دیده تفنن به آن می‌نگرند؛ در حالی که به نظر دکتر لنگرودی فلسفه فقه و نظریه‌های حقوقی در نظام اسلام باید بر پایه اصالت عمل استوار شود که صحت برداشت ما را با مطالعه کتاب «تاریخ معتزله»، «تئوری موازنه» و... ایشان تصدیق خواهید کرد.

در نهایت، ایشان در باره روش فقهای اسلام در موارد فقدان حکم، مسائل سودمندی را ذیل عنوان تصدیقات طرح کرده است و با ارائه یک سلسله اصول و ضوابط در صدد است که روش و معیار فقهی برای تشخیص استدلال سره از ناسره یا ضعیف از قوی ارائه دهد که دانستن این مطالب برای دانشجویان محترم حقوق

ضروری می‌نماید لکن متأسفانه ایشان در این بخش بنا را بر اختصار نهاده اند که شاید دلیل آن وجود بیشتر مباحث مزبور به طور مفصل در کتب اصولی است.

### کتابنامه

- بی‌بی اول (۱۳۸۱). روشهای تحقیق در علوم اجتماعی (۱). ترجمه دکتر رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت.
- الزحیلی، وهبه (۱۴۴۲ق). اصول الفقه الاسلامی. ج ۲. بیروت: دار الفکر المعاصر (۲۰۰۱م).
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲). روشهای تحقیق در علوم اجتماعی. جلد اول: اصول و مبانی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲). فن استدلال؛ منطق حقوق اسلام. تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.

